

داخلی بخاطر تا مین استقلال نسبی خویش در انباشت سرمایه به مبارزه روی آورده بود نیز افزوده شده بود. در سال ۱۳۰۵ از جمعیت ۱۲۸۳۳ نفری کشور بیش از ۹۰۶۰ نفر در روستاها و ۳۷۷۳ نفر در شهرها زندگی می کردند. در سال ۱۳۳۰ فقط یک درصد به جمعیت شهرها افزوده شد. بنا بر این دهقانان با توجه به وضعیت اقتصادی و اجتماعی خویش اکثریت نیروهای بالقوه انقلابی را تشکیل می دادند. اگر جنبش عظیم آذربایجان، کردستان، گیلان، خراسان و جنوب و غیره را که دارای استخوانبندی انقلابی دهقانی بودند نتوانست در آذربایجان و کردستان حکومتهای ملی خود مختار نیوسازد، تشکیل دهد را با آگاهی و تشکل طبقه کارگر و پیمانسیل انقلابی آن در فاصله سالهای فوق در نظر بگیریم در خواهیم یافت که فرمولبندی لنینیستی تناسب قوا در مورد کسب رهبری طبقه کارگر و پیروزی انقلاب دمکراتیک با وضعیت عمومی جامعه آنروز ما منطبق بود. در این دوره وظایف پرولتاریا عبارت بود از اینکه در اتحادیه دهقانان و زحمتکشان شهری، ناپیکیری، تزلزل بورژوازی متوسط ملی را افشا، رژیم سلطنتی را سرنگون، سیستم فئودال کمپرادوری را نابود و دیکتاتور دیمکراتیک کارگران و دهقانان را با هدف سمت گیری در جهت استقرار سوسیالیسم برقرار می نمود.

۲ - از این نقطه ناپیکیری و تزلزل بورژوازی ملی که خود را در سیاستهای جبهه ملی و مصدق متبلور می ساخت نه تنها از موقعیت ضعیف آن در تولید و خصوصیت ویژه رشد سرمایه داری و ارتباط مادی و معنوی آن با دربار، زمینداران و روحانیون ناشی می شد (جبهه ملی، مصدق در حین مبارزه علیه انگلیس تحت شعار ملی کردن صنایع نفت، هیچوقت بسا پایگاه داخلی آن از جمله سلطنت بمثابه پایگاه طبیعی امپریالیسم و ارتجاع به مخالفت برخواست. از لحاظ اقتصادی نیز بدلیل پیوندهای دیرینه با طبقات ارتجاعی حاکم هیچوقت قادر نشد سیاست انقلابی روشنی را در پیش بگیرد. مبارزات وسیع کارگران و بویژه دهقانان که اکثریت مطلق جمعیت را تشکیل می دادند نه تنها مورد پشتیبانی آن قرار نگرفت، بلکه با اتخاذ سیاستهای ضدکارگری و ضددهقانی و تحدید آزادیهای سیاسی

عمل حرکت توده‌های و کارگری را برفع طبقات ارتجاعی حاکم نمود (از آن گذشته این با بورژوازی جنبش عظیم کارگری و دهقانی را نیز در مقابل خود می‌دید. آنجا نیکه جنبش به حداقل را دیکالیزم گرایش پیدا می‌کرد، بورژوازی از آن فاصله گرفته بدان پشت می‌کرد. بورژوازی ملی در این دوره به جز مبارزه برای ملی کردن صنایع نفت، که خود در قبال جنبشهای دمکراتیک آذربایجان، کردستان و سایر مناطق از جمله جنبش کارگری از عمق و محتوای طبقاتی چندانی برخوردار نبود و جنبشهای مسلحانه توده‌ای را که نابودی سیستم را هدف قرار داده بود در محاق قرار می‌داد، شرکت موثر نداشت و یا اینکه شدیداً با آن به مخالفت بر می‌خواست.

۳- البته این زمانی ممکن بود که رهبری پرولتری تحت برنا مسه استراتژی و تاکتیکهای مارکسیست-لنینیستی، رهبری جنبش را تا پیروزی نهایی بدست می‌گرفت، خواست توده‌های مردم که از خواست بورژوازی عمیقتر و دامنه دارتر بود را در برنا مه عمل خود قرار می‌داد و در این شعارها نه تنها از بورژوازی سبقت می‌گرفت بلکه پیشا پیش توده‌ها حرکت می‌کردا ما همانطور که مفلاد در صفحرات قبل نیز گفتیم حزب توده که رهبری این بخش از نیروهای طبقاتی را بعهده داشت بدلیل سیاستهای فرصیستی و دنباله‌روی از سیر جریانات خود بخودی فقط در پی استفاده از جنبش طبقه کارگر در راستای مشارکت در حاکمیت سیاسی بود و هیچوقت در پی آن نبود که اهداف پرولتاریا از جمله کسب حاکمیت سیاسی را در دستور قرار دهد. در این دوره تفاذبین طبقه کارگر و دهقانان، غرده بورژوازی و بورژوازی ملی با بورژوازی کمپرادور، اشراف و فئودالها و دربارتفاذ عمده را تشکیل می‌داد.

در فاصله شکست جنبش در سال ۳۲ تا اوچگیری مجدد جنبش انقلابی خلق در سالهای ۵۶ و ۵۷ که به قیام خلق و سرنگونی رژیم سلطنتی منجر شد، موقعیت اقتصادی، اجتماعی، ترکیب طبقاتی جامعه، کمیت و

کیفیت نیروهای شرکت کننده در انقلاب و موقعیت و مکان تضادهای موجود داخلی و بین المللی، نسبت به هم با زهم تغییر کرد، بر اساس تغییراتی که در ساخت اقتصادی، اجتماعی جامعه پدید آمد، بجای شیوه تولید ماقبل سرمایه داری، شیوه تولید و مناسبات سرمایه داری در جامعه غالب شد.

با تغییراتی که در ساخت روستاها و تولیدکشا ورزی پدید آمد، ستم و استثمار فئودالی و مناسبات ناشی از آن از قلمرو روستایی رخت بر بست و بجای آن ستم و استثمار سرمایه داری نشست.

توسعه با زار داخلی چناننداز وسیعی را برای رشد بورژوازی وابسته و غارتگری سرمایه های انحصاری بین المللی پدید آورد. گسترش نفوذ سرمایه ها و محافل بانکی (داخلی و امپریالیستی) توسعه زمینداری بزرگ، کشت مگانیزه، تولید برای بازار، رواج کارمزدی بالاخره جدائی بخش عظیمی از دهقانان از پروسه عینی تولید، خانه خرابی و مهاجرتهاى مداوم به شهرها و پیوستن به ارتش ذخیره کار، یکی دیگر از مشخصات این دوره در زمینه مسائل دهقانیت.

توسعه با زار داخلی و انباشت عظیم ثروت موجب رشد صنایع، تجارت بازرگانی، ساختمان، معدن، خدمات و سایر اشتغالات شهری گردید، جمعیت شهرها بسرعت روبه افزایش نهاد و بتدریج جمعیت روستایی نسبت به شهرها در اقلیت قرار گرفت. همراه با رشد سیستم به کمیت و کیفیت طبقه کارگر در شهر و روستا مدام افزوده شد، با وجود تجزیه و تلاشی بخشی از خرده بورژوازی، اقشار نوینی همراه با رشد سیستم و بوروکراسی وابسته بدان روبه افزایش و زایش نهاد و در کنا ر طبقه کارگر نیروی وسیعی را در جامعه تشکیل داد.

تحت تاثیر تغییر و تحولات فوق الذکر، بورژوازی ملی و فئودالها پروسه تجزیه و تلاشی خود را بعنوان قدرت اقتصادی و سیاسی طی کرده و از دو وجه تضاد کنا رفتند. در عین حال اقشاری از خرده بورژوازی مرفه (سنتی و مدرن) علیه تضادهای معین با سیستم سرمایه داری وابسته و

انحصارات امپریالیستی، جای ناپیگیری و فرمیس بورژواژوا گرفتند
خیانت آشکار نمایندگان سیاسی این اقشار در اتحاد با بورژوازی ضد
انقلابی در مقطع قیام و بعد از آن نشان دهنده این واقعیت است.

بدین ترتیب می بینیم که در نتیجه تحولات نزدیک به دو دهه فرا پسند
اجتماعی نیروی کار بطور مداوم و روز به روز تحت انقیاد سرمایه در می آید.
اکثریت عظیم دهقانان بی زمین و کم زمین و میان حال قبل از اینکه
از وجود بقایای عناصر فئودالی در رنج و ستم و استثمار رها شوند، از عملکرد
سیستم سرمایه داری وابسته، عدم بهره وری تولید، دخالت دولت به نفع
سرمایه داران و زمینداران بزرگ در اقتصاد کشاورزی و سایر عملکردهای
سرمایه در غذا بند.

طبقه کارگر در شهر و روستا به شدیدترین وجهی مورد ستم و استثمار
قرار گرفته است، خرده بورژوازی و سایر زحمتکشان شهر و روستا در نتیجه
عملکرد سیستم سرمایه داری وابسته روز به روز به خانه خرابی و فقر وسیع
کشیده می شدند.

از طرفی بورژوازی حاکم بر ایران در پی سیاست حفظ و گسترش بازار
واحد ملی با هر نوع آزادی فرهنگی ملی و سیاسی اقلیتهای ساکن ایران
دشمنی می ورزید، در سیستم جدید تفاذ بین اقلیتهای ملی و دولت بوروکراتیک
مرکزی با زهم تشدید می گردد.

بدین ترتیب تفاذ بین کارگران، کارمندان، دهقانان فقیر
کم زمین و خرده پا و سایر زحمتکشان و سرمایه انحصاری بین المللی و سرمایه
داری داخلی در میان سلسله تفاذهای موجود در روز در حال تشدید شدن
است. در این دوره برخلاف سابق در یکسوی طبقه کارگر، نیمه پرولتاریای
شهر و روستا، دهقانان کم زمین و خرده پا و اقشار وسیع خرده بورژوازی -
فقیر و متوسط شهر و روستا، در سوی دیگر طبقه سرمایه دار و انقلابی (مالی،
تجاری، صنعتی و کشاورزی) سرمایه های انحصاری بین المللی و عناصر
و بقایای فئودالی قرار دارند که با در دست داشتن حاکمیت سیاسی و بر -
قراری دیکتاتوری عنان گسیخته و با سلب بدیهی ترین آزادیهای سیاسی

بر کشور حکومت می‌کنند، سرنگونی این رژیم، نا بودی سرمایه‌داری وابسته
محبوب‌قایی فئودالیسم، قطع سلطه انحصارات امپریالیستی آن هدفی
است که اقشار و طبقات انقلابی را با هم متحد می‌کند.

بنابراین انقلابات دمکراتیک را نمی‌توان تنها با تکیه بر مفهوم
کلی آن درک کرده و به مسائل و مشکلات آن پاسخ داد. علیرغم اینکه این
انقلابات ممکن است در برخی مراحل در عا م‌ترین خصوصیات اقتصادی
اجتماعی به یکدیگر شبیه باشند. لاجرم تحت شرایط مختلف تاریخی و مرحله
تکامل جامعه‌ا زتنوع بسیار عظیمی برخوردارند که با یستی دقیقاً آنرا
شناخت.

هما نگونه که در نمونه‌های مختلف انقلابات فوق خصلت دمکراتیک
انقلاب در رابطه با اوضاع مشخص لحظه تاریخی (تحولات اقتصادی، سیاسی
و اجتماعی) هر کشور را ای‌مضا مین و اهداف مختلفی می‌باشند انقلاب ایران
نیز که یک انقلاب دمکراتیک بوده‌ای است خود از خصا ئل، مضامین، اهداف
و برنامه‌های خاصی برخوردار است که از شرایط عینی و موقعیت اقتصادی سیاسی
و اجتماعی جامعه‌نا شی می‌شود و این خصوصیات آنرا از سایر انقلابات و نیز
از مراحل مختلف جنبش انقلابی کشور خودمان متمایز می‌نماید.

اگر در انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه، بورژوازی کارگران و دهقانان زور خرده
بورژوازی جبهه متحد خلق را تشکیل می‌دادند، در انقلابات ۱۸۴۸ و ۱۸۷۱
اروپای غربی، نیروی خلق را کارگران و دهقانان تشکیل می‌دادند. امروز
با توجه به مضمون سوسیالیستی انقلاب در این کشورها این صف بندیها
تغییر کرده است. اگر در انقلاب روسیه خصلت دمکراتیک انقلاب از اتحاد
کارگران و دهقانان با هدف درهم شکستن تزار ایسم و نابودی بقایای سرواژ
ناشی می‌شد، در انقلاب ویتنام از اتحاد کارگران، دهقانان، خسرده...
بورژوازی و بورژوازی ملی با هدف برانداختن فئودالیسم و امپریالیسم
تأمین می‌گردید، در چین عناصر تشکیل دهنده این اتحاد در مراحل مختلف
مبارزه انقلابی و بنا بر شرایط ویژه تغییر می‌کرد. زمانی که جنگ علیه
تجاوزنیروهای خارجی عمده می‌شد حتی بخشی از فئودالها در کنار بورژوازی

ملی متحد طبقه کارگر فرض می‌شد و بعد از گذشتن از این مرحله و برداشتن یک گام به پیش با زهم ترکیب خلق بر اساس وظایف و اهداف انقلاب عوض می‌شد ، اگر در مراحل اولیه انقلاب دمکراتیک ایران (اول و دوم مشروطیت) این ترکیب از اتحاد کارگران ، دهقانان ، خرده بورژوازی و بورژوازی ملی با هدف سرنگونی سلطنت استبدادی قاجار ، اشراف ، فئودالها ، اخراج امپریالیستهای روس و انگلیس و قطع سلطه آنها ، تشکیل می‌گردید در جنبش سالهای ۲۵ تا ۳۲ با تغییر موازنه نیروهای طبقاتی ، این ترکیب بنفع طبقه کارگر عوض می‌شود . هدف نه تنها سرنگونی فئودالیسم و قطع سلطه امپریالیسم است بلکه بورژوازی کمپرادور ، زمینداران بزرگ وابسته بدانها نیز باید نابود گردند . اگر بعد از فرماری و غالب شدن شیوه تولید و مناسبات سرمایه داری وابسته ، ما دیگر پدیده ای بنا م فئودالیسم و بورژوازی ملی که دارای قدرت اقتصادی و سیاسی باشند مواجه نیستیم و در اینجا سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم شاه ، نابودی سرمایه داری وابسته (صنعتی ، تجاری ، مالی ، کشاورزی) قطع کامل سلطه امپریالیستها بر کردگی امپریالیسم آمریکا و محو بقایای عناصر فئودالی بیانگراتحاد طبقه کارگر ، دهقانان و خرده بورژوازی متوسط فقیر شهر و روستاست .

در شرایط کنونی سرنگونی رژیم دیکتاتوری وابسته جمهوری اسلامی (بمثابه روبنای سیاسی سرمایه داری وابسته و حافظ منافع انحصارات بین المللی در ایران) محونا بودی سرمایه داری وابسته (صنعتی ، کشاورزی ، تجاری ، مالی) و بقایای نظامات کهنه و قطع کامل سلطه امپریالیستها بر کردگی امپریالیسم آمریکا ، آن هدفی است که زمینه عینی و نامین کنندۀ اتحاد واقعی خلق ، یعنی طبقه کارگر ، نیمه پرولتاریای شهر و روستا ، دهقانان و خرده بورژوازی تهی دست و متوسط شهر و روستاست و در شرایط کنونی خملت دمکراتیک انقلاب از اینجاشی می‌شود .

از همین جا نتیجه می‌شود که علیرغم تسلط شیوه تولید و مناسبات سرمایه داری و تغییر موازنه نیروهای طبقاتی و علیرغم در اقلیت قرار

گرفتن جمعیت دهقانی و تضا در و به تزايد آنها با سیستم سرما به داری و افزایش مدا مپرولتاریا و نیمه پرولتاریای کثا ورزی و رشد روزا فزون کمیت و کیفیت طبقه کارگر و تشدید فزاینده تضادهای طبقاتی در جامعه که انقلاب سوسیالیستی را بمثابه تنها راه نجات از مظالم و مصائب موجود و بسیار نزدیک می نماید اما در شرایط کنونی و موقعیت عینی حاضر (۱۴۵) ، بنا به دلایلی که در صفحات قبل راجع به آن توضیح دادیم پرولتاریا نمی تواند هدف فوری و بلاواسطه خود را انقلاب سوسیالیستی و برقراری دیکتاتوری پرولتاریا قرار دهد بلکه در شرایط کنونی هدف فوری پرولتاریا عبارت است از انجام وظایفی که او را از نزدیک ترین راه ممکن به سوسیالیسم خواهد رساند . این وظایف عبارت است از رهبری و انجام انقلاب دمکراتیک توده های و گذار بلاوقفه به سوسیالیسم .

اما همانطور که قبلا شرح دادیم بر اساس شرایط اقتصادی ، اجتماعی ، کمیت و کیفیت نیروها و عناصر تشکیل دهنده این اتحاد ، امتزاج فوق العاده بهم فشردگی را بین اهداف سوسیالیسم و دمکراتیسم ایجاد نموده است . امروز اگر طبقه کارگر را بمثابه استخوانبندی جنبش در نظر بگیریم ، اگر با توجه به وضعیت اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی ، تضاد هر دم فزاینده متحدین مرحله ای آن یعنی دهقانان و خرده بورژوازی فقیر و متوسط شهر و روستا را با سیستم سرما به داری وابسته مدنظر قرار دهیم ، درخواهیم یافت که امروزه عنصر سوسیالیسم چه در قلمرو روستا و چه در جامعه شهری از وزن فوق العاده سنگینی نسبت به سایر انقلابات دمکراتیک برخوردار است . از این رو انقلاب دمکراتیک ایران را نه تنها دیوار حین بلکه هیچ مانعی از سوسیالیسم جدا نمی کند ، انقلاب ایران انقلابی است منی . نوراها که در راه بطن قدرت طبقه کارگر لاینقطع و بلافاصله به انقلاب سوسیالیستی گذرخواهد کرد احتیاجات و ملزومات انقلاب ایران ایجاد می کند که پرولتاریا با توجه به شکل ، آگاهی و قدرتی که دارد و با توجه به زمینه های اقتصادی و اجتماعی که بعد از کسب پیروزی در انقلاب دمکراتیک پدیدخواهد آمد (وظایف سوسیالیسم فوق العاده بیشتری از سوسیالیسم در مرحله انقلاب دمکراتیک عملی خواهد

شد) بدون وقفه تا حدودی که در توان دارد به سوسیالیسم گذر کند. هر دیدگاهی که بخواهد انقلاب ایران را در محدوده دمکراتیک محصور سازد یا این امتزاج و ویژگی خاص را نادیده بگیرد و آنرا در سیاست و تاکتیکهای خود مدنظر قرار ندهد، بین انقلاب دمکراتیک و سوسیالیستی دیوار چین ببیند و یا اینکه هم اکنون انقلاب سوسیالیستی را در دستور قرار دهد، هر دو دیدگاهها از مارکسیسم-لنینیسم و راه پرولتاریا منحرف شده اند. مبارزه پرولتاریا برای تحقق دمکراسی در شرایط کنونی تکامل تاریخی جامعه ما که شرایط عینی و ذهنی در لحظه حاضر انقلاب سوسیالیستی را غیر ممکن ساخته است، امریست ناگزیر.

امروز تحت شرایط فعلی توده های زحمتکش مردم دارای خواسته های عمیق دمکراتیک هستند. بدون حل مسائل دمکراتیک و بدون برقراری دمکراسی وسیع توده های آشنایان ایده های سوسیالیستی و جذب و پذیرش این ایده ها توسط توده های کارگروها و زحمتکشان امری است محال. گفتار لنین در توضیح قطعنامه بلشویکها تا حدودی در اینجا نیز صادق است: "وقتی قطعنامه، حکومت انقلابی موقت را موظف به عملی ساختن برنامه حداقل می نماید، بدین طریق افکار نیمه آنا رشیستی و بی معنی را در باره اجرای بلاد رنگ برنامه احدا کثربدور می اندازد. سطح فعلی تکامل اقتصادی روسیه (شرط ابژکتیو) و سطح فعلی آگاهی و تشکلات توده های وسیع پرولتاریا (شرط سوبژکتیو که ارتباط لاینفکی با شرط دیگر دارد) آزادی تام و فوری طبقه کارگر را غیر ممکن می سازد. فقط خوشبینان ساده لوح ممکن است این موضوع را فراموش کنند که درجه اطلاع توده های کارگر از هدفهای سوسیالیسم و شیوه های اجرای آن هنوز تا چه اندازه ای کم است. در پاسخ اعتراضات آنارشیستی مبنی بر اینکه گویا انقلاب سوسیالیستی را به تعویق میندازیم، خواهیم گفت ما آنرا به تعویق نمی اندازیم بلکه با یگانگی و وسیله ممکن و از یگانگی راه صحیح یعنی از همان راه جمهوری دمکراتیک نخستین گام را بسوی آن بر می داریم، کسی که از راه دیگری سواً دمکراتیسم سیاسی بسوی سوسیالیسم برود مسلماً چه از

لحاظ اقتصادی و چه از لحاظ سیاسی به نتایج بی‌معنی و مرتعانه‌ای خواهد رسید اگر کارگران در موقع خود از ما بپرسند چرا ما نباید برنا مه‌خدا کثرت اجرا نمائیم در پاسخ متذکر خواهیم شد توده‌های مردم دارای تمایزات دمکراتیک هستند، هنوز از سوسیالیسم خیلی دورند، هنوز تضادهای طبقاتی بضع نگرفته‌است و هنوز پرولتاریا متشکل نشده‌است، صدها هزار کارگر را در تمامی روسیه متشکل کنید ببینیم، حسن نظر نسبت به برنا مه‌خود را در بین میلیون‌ها کارگر تعمیم دهید ببینیم، سعی کنید این کار را فوراً انجام دهید و تنها به جملات پرسروصدا ولی تو خالی و آنارشستی اکتفا نورزید، آنوقت فوراً خواهید دید که عملی کردن این شکل و بسط این فرهنگ سوسیالیستی منوط است به اجرای هر چه کار ملاتر اصلاحات دمکراتیک، اما وضعیت کنونی و تکامل اقتصادی اجتماعی - تاریخی جامعه ما به نحوی است که اگر انقلاب بخواهد اکثریت مطلق خلق را در برگیرد و اگر بخواهد از نزدیکترین راه ممکن، یعنی از راه دمکراتیسم سیاسی به سوسیالیسم برسد فقط می‌تواند انقلابی باشد که کارگران، دهقانان کم‌زمین و خرده‌پا و خرده‌بورژوازی فقیر و متوسط شهر و روستا را در برگیرد که اکثریت مطلق خلق را تشکیل می‌دهند و در شرایط کنونی بوسیله ماشین دولتی که تمام و کمال در خدمت انحصارات غارتگر امپریالیستی، سرمایه‌داران، زمینداران و سایر مرتجعین قرار داشته و مظهر کنونی تسلط آنهاست، مورد ظلم و ستم و سرکوب قرار گرفته‌اند.

خرد کردن این ماشین و درهم شکستن آن، بیانگر منافع واقعی خلق و اکثریت آن یعنی کارگران و دهقانان است که ابتدا قدرت حاکمه را از دست سرمایه‌داران و... بدست کارگران و دهقانان و خرده‌بورژوازی تهی دست منتقل می‌کند.

این است شرط مقدماتی اتحاد آزادانه دهقانان فقیر و خرده‌پسا و خرده‌بورژوازی فقیر و متوسط شهر و روستا با طبقه کارگر که بدون چنین اتحادی که مقدماتی در مضمون فوق تبلور می‌یابد، دمکراسی اگر هم به چنگ آمده باشد به هیچ وجه پا پیدار نبوده و اصلاحات سوسیالیستی امریست محال.

ما در صفحات قبل فورمولبندی دقیقی از صف بندی نیروهای اجتماعی
 واقعاً موجود در جامعه و نیز تضادهای ناشی از آنها را ارائه دادیم و نشان دادیم
 که در مقابل نیروهای ضدانقلابی واقعاً موجودی که با یدس رنگون شوند
 نیروهای ثنی را که قدر است آنها را سرنگون کند و موقعیت اقتصادی و اجتماعی
 این نیروها را مشخص کردیم و اینکه پیروزی قطعی انقلاب در گرو اتحاد عمیق
 این نیروها نهفته است که کارگران و دهقانان ستون فقرات آنها را تشکیل
 می دهند. بنا بر این بیان واقعی پیروزی قطعی یک چنین اتحادی، چیزی
 جز دیکتاتوری انقلابی دمکراتیک کارگران و دهقانان نیست.

این شعار "هم طبقاتی را معین می کند که سازندگان جدید و بنسای
 جدید می توانند و باید به آنها اتکا نماید و هم خملت این روبنا را دیکتاتوری
 دمکراتیک که از دیکتاتوری سوسیالیستی متمایز است (و هم شیوه ساختن
 آنها (بشیوه دیکتاتوری یعنی سرکوب قهری مقاومت قهری و نیز مسلح
 ساختن طبقات انقلابی مردم). اما این پیروزی بدون بکارگیری قهر
 انقلابی و دیکتاتوری و سرکوب - بدین معنی که انقلاب باید به نیروی
 جنگی و به مسلح ساختن توده ها و به جنگ و قیام متکی باشد نه به شیوه های
 مسالمت آمیز - امکان پذیر نیست. در مقاطع مختلفی از تاریخ و در نتیجه
 تحولاتی که در درون سیستم سرمایه داری وابسته بوجود می آید، بویژه تحت
 تاثیر مبارزات طبقه کارگر و سایر زحمتکشان، بورژوازی حاکم تلاش میکند
 تا با دادن امتیازات ناچیز و آزادیهای جزئی و یا با ایجاد تغییراتی در
 ترکیب هیئت حاکمه و از طریق فریب افکار عمومی، به رژیم سیاسی خود جنبه
 معقول تری بخشیده تا از این طریق سیستم سرمایه داری وابسته را مستحکم
 کرده و بایاداری آنها تضمین کند. اما این آزادیها و تغییرات فرمایشی
 جز فریبی بیش نیست و قبل از اینکه مورد استفاده توده های زحمتکش قرار
 گیرد، در راه تحکیم مناسبات حاکم بکار گرفته خواهد شد. لذا طبقه کارگر و
 متحدان او نباید در دام فریب و نیرنگی که در راه پیروزی آنها قرار
 داده می شود گرفتار آیند. بلکه باید از هرگونه امکان و زهر روزنه ای که
 بوجود می آید فقط و فقط برای درهم شکستن نظام برانده موجود استفاده کنند.

با توجه به اینکه در کشور ما تضادهای طبقاتی مداوم در حال شدت یابی است و با توجه به خصوصیات بوروکراتیک رژیم سیاسی و کیفیت وابستگی نظام بورژوازی ایران به سرمایه داری بین المللی، طبقات ضدانقلابی حاکم بدون مبارزات تاپای جان توده های زحمتکش مردم، حتی قادر به اینگونه گذشته های ناچیز هم نیستند. دهها سال است که تحولات اساسی در کشور ما برای جبهه انقلاب و ضدانقلاب جهانی از جنبه کاملاً استراتژیکی برخوردار شده است. لذا طبقات ضدانقلابی حاکم و امپریالیستهای حامی آنها برای ادامه سلطه جا برانه و حفظ منافع سرشار خود، ضمن بکار بردن همه گونه دسیسه و نیرنگی به مقابله و سرکشی و خونین در مقابل جنبش انقلابی دست خواهند زد، لذا وظیفه طبقه کارگر و پیشاهنگ آن است که خود و متحدان خویش را به اشکال مختلف مبارزه بلاخره مبارزه مسلحانه که به شیوه دهها ساله و آزموده شده در بین خلق زحمتکش ما تبدیل شده است مجهز سازد.

از آن گذشته، ناموزونی رشد و تنوع بسیار زیاد در روابط اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و فرهنگ مبارزاتی مناطق مختلف کشور، وجود ملیتهای تحت ستم، پروسه مبارزاتی، تجربه های گوناگون، آگاهی، شکل و شیوه مبارزاتی، همه نشانگر این است که شرایط عینی و ذهنی انقلاب در ایران، علیرغم تسلط شیوه تولید سرمایه داری، در مناطق مختلف کشور از درجه رشد و رسیدگی یکسانی برخوردار نیست، از این رو در مواقع بروز بحرانهای سیاسی، اقتصادی، قیامهای منطقه ای و محلی راه هر چند به تناوب اما با فاصله و در عین حال نه سراسری و یکباره، امکان پذیر میسازد (۱۴۶). این امر که تجربه درستی آنرا بارها به اثبات رسانده است پرولتاریا را موظف میدارد تا در ضمن اتکا به همزمونی پرولتاری و سازماندهی عملی آن و قیام عمومی برای شرکت و رهبری جنگ مسلحانه طولانی مدت و حفاظت از دستاوردهای قیامهای محلی و ایجاد و حفظ مناطق آزاد شده تا وقوع قیامهای سراسری خود را کاملاً به نیروی مسلح تجهیز کرده و برای سازماندهی مبارزه مسلحانه آماده نماید.

بنا بر این عدم درک ضرورت بی چون و چرای مبارزه و قیام مسلحانه پرولتاریا و متحدان کنونی او علیه طبقات ضدانقلابی حاکم، به معنای انکار مبارزه طبقاتی، ارتداد از مارکسیسم-لنینیسم و خیانت آشکار به طبقه کارگر و خلقهای زحمتکش ایران است. مبارزه مسلحانه و سرنگونی قهرآمیز، تنها تضمین کننده وزیربنای استقرار دیکتاتوری انقلابی کارگران و دهقانان است.

دیکتاتوری انقلابی دمکراتیک کارگران و دهقانان مخصوصاً در شرایط جامعه ما برای طبقه کارگر و وظیفه کارمندان است. در عین حال که کم بها دادن به آن در شرایط کنونی جامعه ما خیانت آشکار به جنبش طبقه کارگر و خلق محسوب می شود، اما طبقه کارگر نباید از منافع خاص و اهداف عالی خود غافل باشد. نباید تضادهایی را که او را از متحدان کنونی جدا خواهد کرد از نظر دور دارد. پرولتاریا باید ضمن حفظ استقلال عمل و با ایجاد نزدیکترین وحدت با پرولتاریا و نیمه پرولتاریای روستا و فقیران شهری، خود را برای موقعی که با متحدان کنونی ترک وحدت کرده و برای تحقق سوسیالیسم با آنها وارد مبارزه خواهد شد آماده کند. لنین کبیر گفته است "یک سوسیال دمکرات هرگز حتی یک لحظه هم نباید مبارزه ناگزیر طبقاتی پرولتاریا را در راه سوسیالیسم بر ضد دمکراتیک ترین و جمهوری خواه ترین خرده بورژوازی رازیادبیرد" (۱۴۷). این امر با لایحه در شرایط جامعه ما که در آن خرده بورژوازی بسیار وسیع و نیرومند است و اقشار مرفه آن بعنوان پایگاه اجتماعی فرمیسم شناخته می شود باید مدنظر قرار گیرد، باید توجه داشت که هرچه انقلاب دمکراتیک عمیق تر و همه جانبه تر و قطعی تر به سرانجام برسد، طبقه کارگر را در رسیدن به اهدافش یعنی برقراری سوسیالیسم یاری خواهد کرد.

پس از آنچه گفته شد بطور خلاصه به فرمولبندی زیر می رسیم:

۱- پرولتاریا رهبر بلامنازع انقلاب است، انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران زمانی به پیروزی قطعی می رسد که انقلابی ترین طبقه جامعه ما یعنی طبقه کارگر، اقشار و طبقات ضد امپریالیستی و دمکراتیک

جامعه را بتوانند زیر شعارهای صحیح متشکل کنند و آنها را عملاً زیر شعارهای مزبور رهبری کند.

۲- پرولتاریا از این طریق که دهقانان فقیر و خرده پا و خرده بورژوازی تهر، ست و متوسط شهر و روستا را به خود ملحق کند، خرده بورژوازی مرفه را افشا و هرگونه رفرمیسم را طرد و منفرد می کند و با ندادن هرگونه (مکان باینکس انقلاب از طریق رفرمیسم به انحراف کشیده شود، رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی را سرنگون، بورژوازی وابسته و بقایای عناصر فئودالی را نابود و سلطه امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا را بطور کامل قطع و انقلاب دمکراتیک توده های را به پیروزی می رساند، به عبارت دیگر:

۱- در راه تمام توده های زحمتکش مردم، بویژه دهقانان و تهری دهستان شهری، در راه سرنگونی بورژوازی وابسته و قطع کامل سلطه امپریالیسم و محبوب قایای نظامات کهن و در راه آزادی کامل و انقلاب پیگیر دمکراتیک توده های به پیش.

۲- در راه تمام استعمارشنوندگان و زحمتکشان فقیر، در راه سوسیالیسم و کمونیسم به پیش.

طبقه کارگران، برای به پیروزی رساندن قطعی این انقلاب و گمراهی و بلاوقفه به سوسیالیسم که در آن با توده های زحمتکش خلق متحد می شود اهداف، برنامه و شعارهائی نیز مشخص می کند که تحقق آنها در شرایط فعلی از دایره قبول متحدان کنونی خارج نباشد. برنامه ای که در چارچوب یک رژیم دمکراسی توده های که متکی به شوراهای کارگران و زحمتکشان باشد، قابل تحقق است.

اهداف و وظایف انقلاب (برنامه)

رئوس عمده این برنامه به قرار زیر است :

الف : فوری ترین وظیفه طبقه کارگر در ائتلاف با متحدان خویش انتقال قدرت حاکمه از دست سرمایه داران و زمینداران بزرگ (صنعتی، تجاری، مالی و کشاورزی) و سایر مرتجعین - بدست خویش، یعنی طبقه کارگر، دهقانان و سایر زحمتکشان شهر و روستا با توسل به قهر است. از این رو طبقه کارگر سرنگونی رژیم ضدانقلابی جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری توده‌ای را در سرلوحه برنامه خود قرار می‌دهد. دولتی که از بطن مبارزه و قیام مسلحانه توده‌ها بیرون خواهد آمد. تبلور عینی اراده توده‌ای خود را در ارتقا به شوراها و کمیته‌های کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان خواهد یافت، بدون این تکیه‌گاه هیچ مجلس و منبری نظیر مجلس شورای ملی یا دولت موقت ائتلافی و غیره نمی‌تواند تبلور اراده توده‌ای گردد. این حکومت مضمون طبقاتی خود را در ایجا ددیکتا توری انقلابی دمکراتیک می‌یابد و شامل دمکراسی برای اکثریت (استثما روشندگان و ستمدیدگان) و دیکتاتوری و سرکوب برای اقلیت (استثما رکنندگان و ستمگران) است. ب : در جمهوری دمکراتیک توده‌ای، شورای نمایندگان شوراهای کارگران و دهقانان و سایر مجامع خلق عالیترین ارگان تصمیم‌گیری و بیانگر قدرت عمومی توده‌های کارگر و زحمتکش خلق است. دولت تحت رهبری طبقه کارگر و بامثال به حاکمیتی انقلابی و دمکراتیک فوراً برنامه

زیرا به مورد اجرا می‌گذارد :

الف : در زمینه سیاسی

برای استقرار کامل دیکتاتوری انقلابی دمکراتیک کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان و برای حفظ و حراست از دستاوردهای انقلاب و تضمین تعمیق و پیشرفت آن و برای برقراری دمکراسی واقعی و بسط همه جانبه آن ، اقدامات زیر انجام می‌گیرد :

۱- مقدم بر همه ، خرد کردن کامل ماشین دولتی سابق است بدین معنی که تمام دستگاههای زور و سرکوب نظیر ارتش ، سپاه ، شهربانی ، کمیته‌ها ، ژاندارمری ، پلیس سیاسی ، بطور کلی منحل اعلام می‌شود .

و به جای آن تسلیح عمومی خلق و سازماندهی و تحکیم ارتش خلق متشکل از کارگران ، دهقانان و سایر زحمتکشان و نیز پرسنل انقلابی ارتش می‌نشینند .

۲- گسترش شوراها و مجامع خلقی و تشکیل فوری آنها در مناطق دور افتاده‌ای که هنوز تشکیل نشده است .

۳- انحلال تمامی دستگاههای بوروکراتیک سابق از قبیل اداره‌ها ، کشوری ، لشگری ، قضایی و غیره و لغو کامل کلیه قوانین اداری و ضد خلقی سابق . در مقابل ، اجرای کلیه قوانین انقلابی (مجریه و مقننه) در تمامی سطح کشور ، به‌درمراکز و در محله‌ها به عهده شورا های کارگران ، دهقانان ، کارمندان و سایر تشکلهای دمکراتیک زحمتکشان است که از طریق حق رای برابر ، مستقیم و مخفی ، مقامات و مناصب را انتخاب میکنند

۴- شوراها و ... ضمن اعمال نظارت و کنترل بر نمایندگان و مقامات

اجرائی و غیره ، حق دارند تا نمایندگان و مقاماتی را که قادر به پیشبرد تصمیمات عمومی آنها نیستند و یا اینکه از اجرای تصمیمات آنها سرپیچی می‌کنند و یا به هر دلیل دیگر قبل از انقضای مدت نمایندگی ، با اکثریت آرا از مقام نمایندگی عزل کنند .

۵- بالاترین حقوق مقامات دولتی برابر است با مزد متوسط یک کارگر ماهر .

۶- حق شرکت در سرنوشت و اداره امور کشور (از عالیترین ارگسنان حاکمیت خلق تا ارگانهای خودگردان محلی) برای کلیه افراد زن و مرد جا معه که به سن ۱۸ سال تمام رسیده‌اند، صرفنظر از ملیت، مذهب و سایر تفاوتها، از طریق حق رای عمومی، آزاد، برابر، مستقیم و مخفی، و نیز حق انتخاب شدن برای هر انتخاب‌کننده برای هر مقام و مرجع نمایندگی که باشد.

ب: در زمینه تأمین آزادیهای فردی و اجتماعی:

برای اینکه توده‌های زحمتکش مردم بتوانند آزادانه در راه منافع طبقاتی خود مبارزه کنند، اجرای اقدامات زیر ضروری است:

۱- آزادی کامل و دمکراسی برای کلیه طبقات و اقشار زحمتکش، شامل آزادی نامحدود عقیده، بیان، مطبوعات و آزادی هرگونه تشکلات توده‌ای و طبقاتی نظیر سندیکاها، شوراها، اتحادیه‌ها، انجمنها، سازمانها و احزاب سیاسی و سایر مجامع.

۲- آزادی تظاهرات، نطق و اعتصاب.

۳- آزادی کامل مذهب، عقاید و لغو هرگونه تبعیض و امتیازات مذهبی و تفکیک کلیه مذاهب از دولت و مدارس و مبارزه قطعی برضد تمام یللات روحانیون در دخالت به کارهای قضائی، درسی و سایر امور دولتی.

۴- آزادی و تساوی حقوق همه افراد کشور از هر جنس، ملیت، مذهب، نژاد، زبان، عقیده.

۵- ممنوعیت کامل دخالت در زندگی خصوصی افراد، مصونیت فرد و محل زندگی او از هرگونه تعرضی.

۶- ممنوعیت کامل تفتیش عقاید، شکنجه و جاسوسی به هر منظور.

۷- تشکیل فوری دادگاههای انقلابی خلق، برای معدوم نمودن هرگونه کوشش ضدانقلابی در جهت تجدید اصول ارتجاعی و نسیسز، در کلیه مجامع قضات انتخابی بوده و متهمین از حق کامل انتخاب وکیل برخوردارند و کلیه جلسات دادگاهها علنی خواهد بود.

۸- تأمین حق انتخاب آزادانه شغل، محل سکونت، حق مسافرت،

احراز تا بعیت و یا لغو آن.

۹- تمام افراد کشور در هر مقام و موقعیت ، صرفنظر از هرگونه تفاوتی حق دارند تا علیه هر مقام رسمی نزد دادگاههای خلق شکایت کنند.

حل انقلابی مسأله ملی

مردم ایران از اقلیت‌های مختلف ملی ترکیب یافته است، رشته‌های مختلفی ملیت‌های ساکن ایران را به هم پیوند می‌دهد، طبقه کارگر و سائیر زحمتکشان این ملیت‌ها سال‌های متمادیست که مشترکاً در زنجیر اسارت سرمایه‌داری، ارتجاع و امپریالیسم به سر برده و در راه استقلال و آزادی دوش به دوش هم مبارزه کرده‌اند. در نتیجه سیاست‌طبقات ارتجاعی حاکم مبنی بر وحدت اجباری خلق‌های ساکن ایران و حل شدن آنها در ملیت فارسی بمنظور تشکیل بازار واحد ملی و تسهیل شرایط ستم و غارت و استثمار زحمتکشان موجب شده تا خلق‌های زحمتکش آذربایجان، کردستان، سیستان و بلوچستان و خلق ترکمن و عرب، علاوه بر تحمل ستم و استثمار همه‌جانبه از ستم ملی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی نیز رنج ببرند.

برای پایان دادن به این وضع و رفع ستم ملی و تأمین وحدت آزادانه تمام خلق‌های زحمتکش ایران و غلبه بر عقب ماندگی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ناشی از ستم مضافاً اقدامات زیر باید فوراً انجام پذیرد:

۱- الفای کامل تقسیمات کنونی کشوری و انجام تقسیمات جدید بر اساس مسأله ملی.

۲- خلق‌های تحت ستم فوق الذکر آزادند تا در مورد سرنوشت خویش تصمیم بگیرند (تأمین و تضمین حق تعیین سرنوشت تا سرحد جدائی برای کلیه ملل که جزو کشور ایران هستند). بدیهی است که منافع اساسی طبقه کارگر و سایر زحمتکشان کلیه ملل ساکن ایران در آن است که داد و طلبانه و آزادانه با هم متحد شده و در راه پیشرفت و ترقی کشوری و احاد و قدرتمند مبارزه کنند.

۳- شناسایی حق اقلیت‌های ساکن ایران در برخورداری از کلیه حقوق اجتماعی، فرهنگی و ملی خود.

در زمینه سیاست خارجی

از آنجا که پیشبرد سیاست خارجی، بمثابة شرایط خارجی پیشرفت انقلاب در داخل و حمایت عملی و متقابل از متحدان خارجی انقلاب محسوب می‌شود لذا از اهمیت زیادی برخوردار است. از این رو اقدامات عمده زیربلافاصله به اجرا گذاشته می‌شود:

۱- افشاء کلیه قراردادها و پیمانهای سیاسی - نظامی سری‌السارتبار و لغوفوری آنها بنفع توده‌های زحمتکش ایران و عدم شرکت در پیمانهای تجاری و زکارتانه (لغودیپلماسی سری).

۲- پیگیری سیاست انقلابی و انترناسیونالیستی در سیاست خارجی مبنی بر اتحاد و گسترش روابط همه‌جانبه و برادرانه با کشورهای سوسیالیستی، اتحاد و کمک متقابل به جنبشهای انقلابی کشورهای تحت ستم و طبقه کارگر کشورهای سرمایه‌داری.

۳- کمک به تمامی دولت‌ها و جنبشهای انقلابی جهان در مبارزه علیه امپریالیسم، صهیونیسم و نژادپرستی.

۴- حمایت و کمک به جنبشهای انقلابی منطقه و دفاع از سیاست عدم دخالت نیروهای امپریالیستی و برجیدن پایگاههای نظامی از منطقه خلیج فارس و دریای عمان.

۵- حمایت از اقدامات انقلابی اروپا و کشورهای سوسیالیستی و در راس آن اتحاد شوروی در رهبری جنبش دمکراتیک در سراسر جهان با لایحه در اروپای مرکزی علیه سیاست جنگ طلبانه و تجاری زکارتانه امپریالیست‌ها به سرکردگی امپریالیسم آمریکا.

در زمینه اقتصادی

بمنظور قطع کامل وابستگی و ایجاد سیستم نوین اقتصادی ملی، متمرکز و هماهنگ و طبق نقشه و نیز بمنظور پیشرفت و تکامل اقتصادی جامعه بنفع خلق و اعطای تدریجی سرمایه‌داری و پی‌ریزی اقتصادی سوسیالیستی و بهبود وضع اقتصادی و رفاه عمومی توده‌های زحمتکش اقدامات زیر انجام می‌گیرد:

- ۱- لغا و افشای کلیه قراردادها و پیمانهای اساسی با رتبار اقتصادی، تجاری، بازرگانی و نظامی و مالی و لغو کلیه قوانین و امتیازاتی که به استقلال اقتصادی و سیاسی کشور لطمه میزند.
- ۲- ضبط و ملی کردن کلیه سرمایه‌های امپریالیستی و سرمایه‌داران بزرگ داخلی شامل موسسات مالی، تجاری، بازرگانی، صنایع، کشاورزی، حمل و نقل، معادن، صنایع مربوط به دفاع ملی، موسسات بیمه، ارتباطات و غیره.
- ۳- ضبط و ملی کردن کلیه سرمایه‌ها و موسسات (متوسط، کوچک و حتی غیر وابسته) که خیانت آنها به خلق توسط دادگاه‌ها محرز شده باشد.
- ۴- ضبط و ملی کردن کلیه موسسات انتفاعی مربوط به اوقاف و سایر دستگا‌های مذهبی، به هر عنوان و اسمی.
- ۵- ملی کردن تجارت خارجی و تمامی موسسات مالی کشور از جمله ملی کردن بانکها و تمرکز آنها در یک بانک واحد.
- ۶- تجارت خارجی در انحصار دولت انقلابی باید بر پایه بسط تولید داخلی گسترش یابد. از این رو گسترش صادرات و واردات باید با وضع قوانین انقلابی و قیمت‌گذاری کالاها و وارداتی به سود تولید داخلی، با توسعه صنایع و تولیدات داخلی ارتباطی ارگانیک داشته باشد.
- ۷- توزیع برنامهریزی شده و کنترل شده توسط مراکز دولتی و تعاونیها، بسط بازرگانی داخلی بمنظور تحکیم تولید و رفع احتیاجات عمومی.
- ۸- گسترش روابط تجاری و عادلانه با کشورهای سوسیالیستی.
- ۹- ایجاد امکان و کمک موثر در سرمایه‌گذاری و تغییر خط تولید در صنایع مونتاژ وابسته و غیره در جهت تبدیل آن به صنایع مورد نیاز جامعه.
- ۱۰- ایجاد و توسعه صنایع سنگین از قبیل ذوب آهن، فلزکاری، ماشین‌سازی، برق، معدن، توسعه صنایع پتروشیمی و گسترش و تولید و صادرات فرآورده‌های نفتی و کاهش صدور نفت خام، توسعه شبکه‌های برق، ارتباطات.
- ۱۱- ایجاد ارتباط منطقی و ارگانیک میان رشته‌های مختلف صنایع، کشاورزی خدمات بازرگانی، تجارت.

- ۱۲- تقویت ، تحکیم و بسط عناصر سوسیالیستی اقتصاد در اقتصاد ملی .
- ۱۳- حمایت از صنایع ملی ، صنایع و هنرهای دستی و اقدام موثر در ایجاد شرایط مساعد برای توسعه و تکامل آنها و تشویق همه جانبه آنها به تمرکز در تعاونیهای تولید .
- ۱۴- کمک به کسبه و پیشه‌وران ، ایجاد تعاونیهای تولید به منظور بهبود وضعیت اقتصادی آنها و لغو هرگونه مقررات غیرعادلانه ای که آنها را تحت فشار قرار داده است .
- ۱۵- محدود کردن مالکیت خصوصی .
- ۱۶- لغو اسرار بازرگانی ، کنترل تولید ، توزیع و خدمات در صنعت ، کشاورزی ، تجارت ، بازرگانی ، بوسیله شوراهای کمیته‌های کارگران ، دهقانان ، کارمندان و سایر زحمتکشان .
- ۱۷- لغو قوانین و مقررات مالیاتی و برقراری مالیاتهای مستقیم و تصاعدی بر ثروت ، بنفع زحمتکشان .

در زمینه اجتماعی

- تأمین حقوق و بهبود زندگی کارگران : برای اینکه طبقه کارگر بتواند ضمن رهبری همه جانبه ، از حقوق حقه خود مدافعانه نماید ، ضروریست تا به محض پیروزی انقلاب کلیه قوانین ارتجاعی کار لغو گردد و تا تدوین قوانین جدید توسط نمایندگان شوراهای کارگران ، درخواستهای زیر در کلیه مراکز کارگری (بزرگ و کوچک) اعمال صنایع سنگین و یا خانگی و یا پیشه‌وری ، راه و ساختمان ، کارهای فصلی) لازم الاجراست :
- ۱- آزادی کامل و به رسمیت شناختن کامل تشکیلات سیاسی ، اتحادیه‌ها ، سندیکاها ، شوراها و سایر تشکیلات کارگری .
 - ۲- آزادی کامل اجتماعات ، میتینگها ، نمازها ، محافل و مطبوعات کارگری .
 - ۳- تضمین حق اعتصاب همگانی .
 - ۴- تعیین متوسط میزان دستمزد به تناسب شاخص هزینه زندگی توسط شوراها

و اتحادیه های کارگری .

۵- چهل ساعت کار و دو روز تعطیل غیر منقطع در هفته (با محدود بودن روزکار هشت ساعت) در تمام رشته های اقتصاد ملی ، مگر در معادن و موسساتی که شرایط کاری بسیار دشواری دارند ، در این موارد بنا به نظر شورا های کارگران و در برابر بطله با وضعیت مشخص محل ، ساعات کار با یستی به میزان لازم تقلیل و تعطیلات هفتگی اضافه شود .

۶- برقراری یکماه مرخصی در سال برای کلیه کارگران و مستخدمینی که بیش از شش ماه در موسسه خدمت کرده اند .

۷- پرداخت کامل حقوق تعطیلات و مرخصی .

۸- ممنوعیت کار اطفال کمتر از ۱۸ سال تمام .

۹- ممنوعیت کار شبانه و اضافه کاری در تمام رشته های اقتصاد ملی ، مگر در مواردی که بدلائل فنی و مسائل اقتصادی کشور اجتناب ناپذیری آن توسط شورا های کارگری تأیید شده باشد . در این صورت مسئله دستمزد ، غذا استراحت و ایاب و ذهاب با توافق شورا معین می شود .

۱۰- در هر صورت دستمزد شب کاری نباید کمتر از دو برابر دستمزد کار در روز و یکساعت اضافه کاری کمتر از معادل $2/5$ ساعت کار در روز محاسبه گردد .

۱۱- برابری دستمزد زنان با مردان در انجام کار مساوی و ممنوعیت کار زنان در مناطقی که

برای سلامتی آنان زیان آور است .

۱۲- مرخصی با پرداخت حقوق کامل برای زنان باردار در مدت دو ماه قبل و سه ماه بعد از وضع حمل ، با استفاده از امکانات درمانی و دارویی رایگان

۱۳- ایجاد و توسعه مهد کودک و سایر امکانات برای نگهداری از کودکان زنان کارگر در ساعات اشتغال .

۱۴- پرداخت هزینه متوسط زندگی و تحصیل برای فرزندان اضافه بر دو نفر تا رسیدن به سن ۱۸ سال تمام . خارج از محاسبات هزینه زندگی یک خانواده چهار نفری توسط دولت .

۱۵- آزادی تشکیلات کارگری در تنظیم و روابط کار و بازرسی و دخالت در

استحالات .

- ۱۶- بیمه کامل اجتماعی و پرداخت کامل حقوق دوران بیماری .
- ۱۷- اتخاذ تدابیر بمنظور مصونیت جانی و جلوگیری از حوادث کار و حفظ تندرستی کارگران در محیط کار .
- ۱۸- ممنوعیت کسر دستمزد به هر دلیل .
- ۱۹- تامین مسکن و محل زندگی مناسب . پرداخت ما به التفاوت هزینه ممکن در صورتی که بیش از مبلغ پیش بینی هزینه مقرر در دستمزد بوده و کارگر قادر به بازپرداخت آن نباشد .
- ۲۰- پرداخت حقوق کامل دوران بازنشستگی و به کارگرانی که در اثر سانحه و یا شرایط کار ، سلامتی خود را از دست داده اند (به میزان آخرین دستمزد دریافتی و افزایش آن به تناسب افزایش هزینه زندگی) .
- ۲۱- تامین کار برای کارگران بیکار و پرداخت هزینه زندگی آنها در دوران بیکاری ، معادل دستمزد متوسط یک کارگر .
- ۲۲- کنترل نحوه احراز قوانین و مقررات کار و بازرسی شرایط کار ، بهداشت محیط ، مسکن کارگران و نحوه مقررات سکونت در آنها توسط نمایندگان کارگران .
- ۲۳- انتخاب بازرسی زن برای کارخانه ها و موسساتی که تعداد زنان بیشتری در آن مشغول بکار هستند .
- ۲۴- تعمیم این بازرسی به کارگاهها و حوزه های کار اصناف ، پیشه وران ، صنایع دستی و روستائی ، کشاورزی ، راهها و سایر مکانهایی که در آنجا از کارگر مزدور استفاده می شود .
- ۲۵- کلیه اعضای هیئتهای بازرسی و غیره به انتخاب خود کارگران بوده و حقوق خود را از دولت یا مدیریت صنایع دریافت خواهند کرد .
- ۲۶- تهیه قوانین مربوط به متجاوزان به حمایت کار .
- ۲۷- تشکیل دادگاههای کار در تمامی بخشهای صنایع متشکل از نمایندگان کارگران و کارفرمایان .

درباره مسائل ارضی و تامین حقوق دهقانان زحمتکش .

- ۱- الغای کامل بقایای اقتصاد فئودالی و لغو کلیه قوانینی که به دهقانان زحمتکش را در تصرف آزاد زمینهای خود محدود می‌سازد .
- ۲- ضبط بلاعوض کلیه اراضی ، منابع آب ، ماشین آلات ، دام ، ساختمانها ، وسایر تاسیسات متعلق به سرمایه‌داران ، زمینداران بزرگ ، ملاکین ، فئودالها ، اوقاف ، بنیاد مستضعفان ، جهاد و سایر تاسیسات مذهبی و انتقال آنها به شوراهای ، اتحادیه‌ها و ارگانهای خودگردان محلی .
(گشتکارهای بزرگ ، کشت و صنعتها و اراضی مکانیزه خصوصی و دولتی تحت اداره شوراهای کارگران کشاورزی قرار می‌گیرد) .
- ۳- الغای کلیه دیون و بدهیهای دهقانان زحمتکش به دولت ، سرمایه‌داران زمینداران ، فئودالها ، رباخواران ، بانکها ، شرکتهای تعاونی .
- ۴- لغو کلیه مالیاتهای غیر مستقیم و مالیاتها و عوارض محدود کننده نظیر عوارض در عرضه محصولات کشاورزی .
- ۵- لغو اجاره بها و مصادره زمینهای اجاره‌ای با صلاح دید ارگانهای توسعه‌ای محلی .
- ۶- حمایت کامل از شوراهای ، کمیته‌ها و اتحادیه‌های دهقانان و کارگران کشاورزی و سایر رنجبران محلی و کمک به بیسط همه جانبه آنها در سراسر کشور .
- ۷- پشتیبانی کامل از دهقانان متشکل در شوراهای و کمیته‌های دهقانی در راه مصادره انقلابی و دمکراتیک اراضی (دهقانان باید از طریق شوراهای نمایندگان خود بی‌درنگ اراضی را در محل برای بهره‌برداری خود ضبط کنند) تا تشکیل کنگره نمایندگان خلق تمام کشور در روستاها بعهده شوراهای و اتحادیه‌های مسلح کارگران کشاورزی و دهقانان خواهد بود . این شوراهای و اتحادیه‌ها باید بلافاصله با قاطعیت تمام و بطور مسلحانه در سرکسوب و انهدام بقایا و نشانه‌های رژیم کهنه ، مناسبات و عوامل حفظ و حراست آنها نظیر ارگانهای سرکوب سپاه ، ژاندارمری ، بسیج ، انجمنهای سابق ، کمیته‌ها ، عناصر فئودال و کلیه ضدانقلابیونی که قصد مقاومت داشته‌ویا

خواهند داشت ، به جدبکوشند . (با یادآوری آنچه که در اثر تردید و تزلزل در مبارزه قطعی با ضدانقلاب در سالهای ۲۲ تا ۱۳۲۵ و با درجریان قیام و بعد از آن رخ داد) .

۹- باید مقاومت ضدانقلابیون ، ثروتمندان و جاسوسان و خائنین به منافع دهقانان و کلیه عناصری که منافع ثروتمندان دهات مانع تحولات عمیق جامعه و اتخاذ تدابیر لازم می گردند در هم شکسته شوند .

۱۰- الفنا و ممنوعیت بکارگیری کلیه قراردادها ، مناسبات و سنتهای مرسوم که خصمیت برده ساز داشته و به قصد سود بیشتر بکار گرفته می شود بلاخص در مورد دهقانانی که صاحب زمین اند و یا از طریق صادره زمینهای قبلی خود را در اختیار گرفته اند ، بطور کلی ممنوعیت بکارگیری این قوانین و شیوه ها و سنتها جهت سودبری در کلیه اراضی چه خصوصی و چه آنها که در اختیار شوراها و کمیته ها هستند .

۱۱- حکومت انقلابی باید بقدر کافی اراضی دولتی را در اختیار قبایل کوچ نشین قرار دهد تا آنها بتوانند با استفاده از کمکهای دولتی و از راه کشت جمعی و دامداری نوین از حالت صحرانوردی خلاص شده به یک اقتصاد نوین و پرحاصل تری دست یابند .

۱۲- گذاشتن امکانات و اراضی دولتی در اختیار شوراها و آن بخش از دهقانانی که بواسطه کمبود زمین های ملکی ، وقفی و غیره ، صاحب قطعات کوچک غیراقتصادی شده اند و یا اینکه بکلی بی زمین مانده اند .

۱۳- دولت انقلابی در عین حال با کمکهای مالی ، فنی و تکنولوژیک به کشتکاریهای اشتراکی و ایجاد و گسترش تعاونیهای کشاورزی و مسزراع دولتی و بانشان دادن مزیت و بهره وری بیشتر و بهتر و با صرفه بودن آن نسبت به کشتکاریهای منفرد و پراکنده و کوچک ، تلاش می نماید تا دهقانان را به کشت و ریزی جمعی جذب کند .

۱۴- توسعه اراضی زیرکشت از طریق تسطیح و آباد نمودن اراضی با بیرو و اگذاری آن به دهقانان .

۱۵- توسعه شبکه های آبیاری ، سدها ، قنوات ، ذخیره سازی آب ، توسعه

جاده‌ها و راه‌های روستائی و تسهیل حمل و نقل میان مراکز صنعتی و کشاورزی
۱۶- پرداخت وام‌های طولی‌المدت بی بهره، تامین بذر، کود و سم و
ماشین‌آلات کشاورزی و همکاری‌های علمی و فنی با دهقانان جهت بالابردن
سطح زیرکشت و بازدهی محصولات.

۱۷- دهقانانی که به‌سبب بازنشستگی می‌رسند و یا توانایی کارکردن را از
دست می‌دهند با واگذاری اراضی خود به دیگری (دادن جای خود به دیگری)
از دولت حقوق بازنشستگی دریافت خواهند کرد.

۱۸- بالاخره با ملی کردن زمین، مالکیت خصوصی بر زمین لغو شده و کلیه
اراضی در اختیار همگان قرار می‌گیرد. (اداره این اراضی بعهده شوراهای
اتحادیه‌ها و سایر تشکلهای دمکراتیک دهقانان خواهد بود).

طبقه کارگر در عین تلاش خود در جهت تحقق اهداف فوق، با تمام قوا
خواهد کوشید تا ضمن سازماندهی کارگران کشاورزی و فقرای روستائی در
سازمانهای طبقاتی خاص خود، آنها را با تضاد آشتی ناپذیر منافع خود
با منافع بورژوازی ده‌آشنا سازد.

طبقه کارگر تلاش خواهد کرد تا از طریق تشکل و سازمان آگاهی و
ارائه نمونه جلوی هرگونه توهّم و امیدوی را راجع به بهبود وضع زندگی
دهقانان وریشه‌کنی فقر و نجات از ظلمت را در سیستم اقتصادی که توسط
بورژوازی تلقین خواهد شد، بگیرد و به آنها لغو مالکیت خصوصی و انتقال
همه زمینها به مالکیت اشتراکی تمام خلق و سرانجام لزوم تقسیم
سوسیالیستی که تنها وسیله ناپذیری واقعی فقر و استثمار است را گوشزد
کند.

تضمین شغلی

- ۱- حق کار برای همه و تامین کار برای بیکاران.
- ۲- پرداخت حقوق معادل هزینه زندگی یک خانواده زحمتکش برای بیکاران.
- ۳- استفاده کامل از مزایای بهداشت، تحصیل و تامین اجتماعی رایگان.
- ۴- تامین ما به التفاوت هزینه مسکن و هزینه تحصیل و زندگی فرزندان

بیش از دو نفر تا سن ۱۸ سالگی توسط دولت .

تأمین حقوق زنان و کودکان

بمنظور راهی کامل زنان از قیود ارتجاعی و بمنظور تأمین سلامتی و شادابی اطفال اقدامات مقدماتی زیر ضروری است :

- ۱- لغو کلیه قوانین ، مقررات ، ارتجاعی ،
- ۲- افزایش نقش زنان در فعالیتهای اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی و فرهنگی .
- ۳- رفع هرگونه تبعیض بین زن و مرد .
- ۴- تأمین حقوق برابر زنان و مردان در ازدواج ، طلاق ، ارث و سرپرستی فرزندان .
- ۵- حمایت کامل و همه جانبه از خانواده های بی سرپرست و بیوگان .
- ۶- ممنوعیت کامل تعدد زوجات .
- ۷- ایجاد مراکز حمایت از مادران و مراکز درمانی برای کنترل مرتب زنان در دوران بارداری و بعد از وضع حمل .
- ۸- تأمین پنج ماه مرخصی با حقوق در دوران بارداری و بعد از زایمان
- ۹- آزادی کامل در ایجاد سازمانهای دمکراتیک زنان .
- ۱۰- ایجاد دو توسعه شیرخوارگاه و مهدکودک در محله ها و مراکز کار .
- ۱۱- برخورداری کودکان از تغذیه و خدمات بهداشتی و پزشکی و ایجاد دوایر کنترل هفتگی و پزشکی برای آنها .
- ۱۲- تأمین وسایل ورزش ، تفریح و محله های بازی برای کودکان .

تأمین بهداشت همگانی

- ۱- تأمین خدمات پزشکی مجانی برای عموم اهالی کشور از طریق تاسیس شبکه های بیمارستانی ، درمانگاهها ، داروخانه ها و مراکز بهداشتی در شهر و روستا و مناطق عشایری .
- ۲- ایجاد مراکز مخصوص برای تربیت کادر پزشکی در کوتاه مدت ، بمنظور

پیشگیری و نابودی امراض بومی .

- ۳- گسترش دانشگاهها و دانشکدههای پزشکی و مدارس عالی پرستاری .
- ۴- ایجاد اماکن و موسسات مخصوص رسیدگی و نگهداری از معلولین .
- ۵- ایجاد تاسیسات لازم در مناطق خوش آب و هوا بمنظور استفاذه درجهت بهبودی امراض مسری .
- ۶- بالابردن اطلاعات بهداشتی تودههای مردم از طرق مختلف .
- ۷- تامین بهداشت محیط کار و زندگی در شهر و روستا .
- ۸- ایجاد شبکههای وسیعی از اردوگاهها و میدانهای ورزشی و برقراری ورزش اجباری در سراسر کشور .
- ۹- واکسیناسیون همگانی .
- ۱۰- مبارزه جدی و انقلابی در راه ریشهکنی قاچاق موادمخدر و نابودی اعتیاد
- ۱۱- تامین شرایط مناسب زندگی برای کارکنان مراکز درمانی و بیمارستانی .
- ۱۲- تامین هزینه زندگی سالمندان و ایجاد مراکز ویژه برای آنها .

تامین مسکن برای همه

اکثر زحمتکشان جامعه ما از نداشتن مسکن رنج می‌برند، برخورداری از مسکن مناسب حق همه افراد جامعه است. تا وقتی که مساله مسکن بطور بنیادی حل نشده است برای استفاده عادلانه از اماکن مسکونی موجود و تامین حداقل نیازمندیهای توده زحمتکش در این زمینه، اقدامات فوری زیر ضروری است:

- ۱- ایجاد کمیته‌های تامین مسکن در کنار شوراهای و کمیته‌های محلی.
- ۲- برچیدن تمامی بناهای، موسسات و سایر واسطه‌های مسکن (که به‌اجاره، معاملات و بورس بازی و تجارت در مورد مسکن مشغولند).
- ۳- واگذاری تمام امور مربوط به اماکن مسکونی موجود به دست شوراهای و کمیته‌های مزبور.
- ۴- ضبط بلاعوض کلیه واحدهای مسکونی متعلق به عناصردانقلابی، سرمایه

- داران و زمینداران بزرگ بمنظور واگذاری به زحمتکشان بی مسکن .
- ۵- با خرید عا دلانه کلیه واحدهای مسکونی متعلق به کسانی که بیش از نیاز معمولی خود، خانه و آپارتمان در اختیار دارند توسط دولت و واگذاری به اجاره و یا فروش اقساطی آنها به زحمتکشان بی مسکن .
- ۶- ساختمانهای زائد دولتی و موسسات عمومی موقتا در اختیار شوراهای برای واگذاری به زحمتکشان قرار میگیرد .
- ۷- تعدیل اجاره بها ی موجود و پرداخت ما به التفاوت هزینه واقعی آنها بر آورده هزینه ای که بدین منظور جزو دستمزد در نظر گرفته شده است (توسط دولت) .
- ۸- برنامهریزی دولتی برای خانه سازی ارزان و مناسب .
- ۹- اجرای فوری برنامه نوی سازی شهرها و روستاها (بالاخص مناطق جنگ زده کشور) .

آموزش و فرهنگ همگانی

- تاکنون پیشبرد آموزش و پرورش و فرهنگ توسط طبقات ارتجاعی حاکم ناظر بر اشاعه آموزش و فرهنگ ارتجاعی طبقات استثمارگر بوده است اکنون بیش از نیمی از اهالی کشور از سواد خواندن و نوشتن محروم هستند، برای پایان دادن به این وضع و برقراری آموزش و فرهنگ انقلابی و دمکراتیک در جامعه، اقدامات زیر ضروری است :
- ۱- دگرگونی کامل در نظام آموزشی، فرهنگی و کتابهای درسی .
 - ۲- بسیج عمومی برای ریشه کن کردن بیسوادی .
 - ۳- آموزش عمومی در کلیه سطوح از نظر سنی .
 - ۴- تامین آموزش ابتدائی و متوسطه عمومی، اجباری و رایگان برای کلیه کودکان در سطح کشور .
 - ۵- تامین خدمات فنی و علمی و آموزشی رایگان .
 - ۶- ایجاد و گسترش کودکانستانها، دبستانها، دبیرستانها، مسیدارس و هنرستانهای حرفه ای مورد نیاز در شهر و روستا .
 - ۷- گسترش مدارس عالی، دانشگاهها، مراکز تحقیقات علمی و قراردادن

- آنها در دسترس زحمتکشان جامعه با تحصیل رایگان بمنظور پرورش کادر وسیع علمی و فنی .
- ۸- تامین شرایط مناسب زندگی و مساعدتهای مادی و معنوی بـسرای آموزگاران ، استادان ، دانشمندان ، دانشیاران و هنرمندان و نویسندگان .
- ۹- مبارزه قطعی با مظاهر فرهنگ بورژوازی و القابات امپریالیستی .
- ۱۰- استفاده از دستاوردهای علمی و فنی جهان .
- ۱۱- تامین شرایط و امکانات لازم جهت تحقیق ، پژوهش در امور علمی ، تاریخی ، فرهنگی ، هنری و ایجاد فرهنگستان علوم .
- ۱۲- تاسیس کتابخانهها ، قرائتخانههای عمومی در محلات ، شهرها و روستاها و مراکز عمومی کشور .
- ۱۳- کمک موثر به بسط و توسعه مطبوعات و انتشارات انقلابی و هنرهای ملی
- ۱۴- تامین و گسترش فرهنگ و هنرهای ملی برای خلقها و اقلیتهای ملی و آموزش به زبان مادری در کلیه مراحل تحصیلی و حق استفاده از آن در مجامع رسمی .

خسروخا و راوغلی (بیدی)

خرداد ۱۳۶۳

- ۱، ۲، ۳ و ۴- بزیرپرجمی دروغین . لنین . تاکید آخر از ماست .
- ۵- انتقاد بر اقتصاد سیاسی . مارکس
- ۶- مانیفست
- ۷ و ۸- جنگ و سوسیال دموکراسی روسیه . لنین
- ۹- اپورتونیم و ورشکستگی انترناسیونال دوم . لنین
- ۱۰- بزیرپرجمی دروغین
- ۱۱، ۱۲، ۱۳- م . ج ۳ ، مارکس
- ۱۴- برای کوتاهی کلام، از این پس، حاملان و حامیان این خط را بطور کلی (خروشچف) خطاب خواهیم کرد
- ۱۵- درباره شعاریات ایالات متحده اروپا (لنین)، در ضمن موضوع "عصر چهارم"، در اسناد فوق به صراحت بیان نشده است اما بررسی کلی مباحثات و نقطه نظرات بعدی خروشچف، غیر از آن چیز دیگری نیست.
- ۱۶- اصول لنینیسم . استالین
- ۱۷- البته انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر نقش بسیار عظیم و تعیین کننده‌ای در تغییر توازن نیروها و صف بندی طبقات در سطح بین المللی بجای گذاشت، مسأله تضاد جهانی بین دو سیستم اجتماعی و اقتصادی و سیاسی متفاوت (سرمایه داری و سوسیالیسم) به یکی از تضادهای اصلی در حول محور تضاد بین کار و سرمایه در سطح جهان افزود و از آن پس این تضاد بعنوان یکی از عوامل تعیین کننده جهت عمومی تکامل جامعه بشری در مجموعه تضادهای بین المللی نمی توانست در محاسبات اساسی نیروهای طبقه کارگر در مبارزه روزمره خود، از نقطه نظر ملی و بین المللی داخل نگردد. این تضاد خود یکی از تضادهای عمده جهانی است، معذالک این بدین مفهوم نیست که فرضا گفته